

تلقیح مصنوعی در آینه فقه (کتاب)

نویسنده: حسن علی آبادی

• چکیده

تلقیح مصنوعی در آینه فقه اثر سیدمحسن مرتضوی درباره ادله و صورت‌های شرعی لقاح مصنوعی است. وی اذعان دارد که این روش یکی از روش‌های رایج برای درمان ناباروری است.

این اثر کوشیده است نظرات فقهی در مسئله تلقیح مصنوعی را با استناد به ادله و روایات ارائه کند. این کتاب پس از تبیین موضوع، نتیجه منتخب را ارائه و پس از آن به استفتاء مراجع نیز اشاره کرده است. برخی عناوین فقهی در مسئله لقاح مصنوعی موضوع انواع تلقیح از نظر نسبت شرعی، تلقیح خارج رحم، احکام نسبت‌ها در لقاح مصنوعی، مسئله عده، نفقه حامل، سقط جنین و نطفه و ثبوت دیه، معاملات مرتبط با تلقیح مصنوعی و بررسی حق استیلا برای مرد است.

کتاب تلقیح مصنوعی در آینه فقه در یک پیشگفتار، دو بخش و یک خاتمه تدوین شده است. در بخش خاتمه این کتاب به موضوعاتی اشاره کرده است که ارتباط مستقیمی با مسئله تلقیح مصنوعی ندارد.

معرفی و ساختار

کتاب تلقیح مصنوعی نوشته سیدمحسن مرتضوی درباره مسئله روش نوین و رایج بارداری است. وی در این کتاب کوشیده است ادله جواز این مسئله را مورد بررسی قرار دهد. مولف کتاب مدعی است که با استفاده از منابع دست اول روایی و فقهی، مباحث را به شکل استدلالی و اجتهادی درباره این موضوع به تفصیل ارائه کرده است.

این اثر در دو بخش و یک خاتمه تنظیم شده است. در بخش نخست مباحث کلی و موضوع‌شناسی، بررسی حکم تکلیفی صور مختلف تلقیح داخل رحمی و رحم جایگزین ارائه شده است. در بخش دوم در ابتدا احکام مرتبط با تلقیح مصنوعی، همچون بحث نسب، ثبوت عده، حکم نفقه حامل، حکم اسقاط و از بین بردن نطفه و معاملات مرتبط با تلقیح ارائه شده است.

در بخش خاتمه نویسنده کوشیده است موضوعاتی مانند پیوند اعضای تناسلی بدن، مجوزات معاینات پزشکی در امور مشتمل بر حرام، حق استیلا از طرق غیر متعارف برای شوهر مورد بحث و کنکاش قرار داده است.

مسائل

کتاب تلقیح مصنوعی در پی انعکاس نظرات فقهاست از این رو در هر بخش با استفاده از دلایل عقلی و نقلی و بیان فتوای مراجع در این زمینه به بررسی و ارائه نتیجه‌گیری می‌پردازد.

انواع تلقیح

نویسنده درباره حکم شرعی مسئله تلقیح مصنوعی چند صورت را در نظر گرفته است.

۱. جواز تلقیح اسپرم شوهر با تخمک همسر اگر ملازمات حرام آن از جمله

استمنا، لمس و نظر عورت نامحرم واقع نشود (ص ۳۷) که در صورت حرج و

اضطرار و حاجت برطرف می‌شود. (ص ۳۸)

۲. تلقیح اسپرم شوهر به تخمک همسر پس از مرگ شوهر در دو مبنا:

- عدم علقه زوجیت پس از مرگ: عدم جواز غسل شوهر توسط زن

- و بالعکس. (ص ۳۹) عدم جواز بچه‌دار شدن از شوهر

متوفی. (ص ۴۲)

- بقاء علقه زوجیت پس از مرگ تا پایان عده وفات: جواز

تلقیح. (ص ۴۱)

۳. حرمت تزریق و اهدای اسپرم مرد بیگانه به زن اجنبیه (ص ۵۳)

۴. اهدای تخمک در سه احتمال:

- جواز مطلق

- تفصیل بین موردی که زن صاحب تخمک، همسر دیگر مرد صاحب

اسپرم باشد یا اجنبی باشد. (ص ۱۱۶ و ۱۱۷)

- حرمت مطلق با سه وجه: أ. به استناد حرمت افراغ منی در رحم

اجنبی (ص ۱۱۷) ب. تضاد با مفاد آیه پنجم تا هفتم سوره مومنون

در مسئله حفظ فرج (ص ۱۱۸) ج. اتکا به حکم وضعی و مسئله

انتساب که صاحب تخمک را مادر بچه می‌داند نه صاحب رحم، در

این صورت فرزند حاصل از طریق تلقیح مصنوعی از دو اجنبی است

که علقه زوجیت ندارند و این مسئله از مستنکرات و مقبوحات در

شریعت است و ارتکاز متشرعه آن را نمی‌پذیرد. (ص ۱۱۹)

۵. حرمت تلقیح اسپرم مرد به رحم حیوان در چهار وجه:

- الغاء خصوصیتِ حرمت افراغ منی در رحم زن اجنبی، ادله آن شامل

حرمت تلقیح به رحم حیوان می‌شود زیرا متفاهم عرفی از ادله

این است که آنچه در حق مرد نسبت به استیلاد جایز است قرار

دادن اسپرم مرد در رحمی است که نزدیکی و جماع با او جایز

است. (ص ۱۲۰)

- مفاد روایت اسحاق بن عمار که ضرورت قرار گرفتن اسپرم در موضع

مقرر شرعی است و رحم حیوان، موضع مذکور نیست.

- تمسک به آیات شریفه درباره حفظ فرج و حرمت استیلاد مرد

مسلمان از غیر فرج همسر که شامل رحم حیوان نیز می‌شود.

- بچه‌دار شدن مرد مسلمان از حیوان از مستنکرات و مقبوحات نزد

متشرعه است. (ص ۱۲۱)

۶. اخذ تخمک از حیوانات و قرار دادن آن در رحم همسر است که بنابر مبنای

جواز اخذ تخمک از زن اجنبی این مورد نیز بلااشکال است. (ص ۱۲۲)

۷. اخذ اسپرم از حیوانات و تلقیح به تخمک زن: نویسنده در ابتدا به دلیل نبود

دلیل خاص و مقتضای اصل عملی، قول به جواز را با این تقریب مطرح می‌کند

که اگرچه مورد روایات، افراغ منی مرد است اما به مناسبت حکم و موضوع

استفاده می‌شود که شان زن مسلمان این است که حملش به وسیله

اسپریم از کسی باشد که جماع و نکاح با او جایز است بنابراین حمل او از اسپریم حیوان حرمت خواهد داشت. علاوه اینکه مستفاد از آیات سوره مومنون در حفظ فرج این است که زن مسلمان باید خود را از افعال مناسب با فرج از غیرشوهر خود حفظ کند. همچنین بارداری زن از اسپریم حیوان از امور مقبوح و مستنکر نزد متشرعه است. (ص ۱۲۲ و ۱۲۳)

۸. اخذ تخمک زن و قرار دادن آن در رحم حیوان: دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد چون هیچ یک از عناوین مجرمه بر آن صادق نیست لذا با رجوع به اصول تریخیه قول به جواز ثابت می‌شود. (ص ۱۲۴)

- قرار دادن تخمک یا اسپریم گیاهی در رحم زن:
- از یک منظر به دلیل تضاد با مبنای حفظ فرج حرمت دارد.
- حرمت ندارد زیرا آنچه با حفظ فرج در تضاد است اسپریم مرد اجنبی یا حیوان بجای شوهر است ولی گیاه چنین ویژگی ندارد.
- اسپریم گیاهی یا آنچه که کارایی اسپریم را دارد با اخذ از گیاه در رحم زن تزریق کنند که در این صورت همان ادله حفظ فرج نیز جریان دارد مگر اینکه گفته شود این ادله از اسپریم گیاهی انصراف دارد. (ص ۱۲۶)

۹. صاحب اسپریم یا تخمک انسانی مشخص نباشد که در این صورت، مسئله محذور اشتباه در نسب، دلیل مستقلی برای حرمت تلقیح است؛ زیرا از ادله و نصوص در ابواب فقهی این نکته استفاده می‌شود که اشتباه در نسب مبعوض شارع است. (ص ۱۲۷) ارتکاز شرعیه نیز حفظ نسب را از امور لازم و

مطلوب در شریعت اسلامی می‌داند لذا شارع اموری را که در معرض از بین رفتن نسب باشد را حرام کرده است چه برسد به اموری که همواره مستلزم از بین رفتن نسب بشود. (ص ۱۳۰)

تلقیح در خارج رحم

مرتضوی در این بخش در ابتدا به تبیین مسئله تلقیح و ترکیب اسپرم و تخمک در خارج رحم و انتقال نطفه تشکیل شده به رحم پرداخته است. (ص ۱۴۲) وی در ادامه به صورت‌های مختلف این موضوع اشاره می‌کند:

۱. عدم حرمت تلقیح خارجی رحمی، زن و شوهر. (ص ۱۴۳)
۲. تلقیح اسپرم شوهر متوفی در آزمایشگاه به تخمک همسر و انتقال به رحم او با دو مبنای متفاوت نتیجه متفاوت دارد:

- جواز در صورتی که علقه زوجیت پس از وفات باقی باشد
 - عدم جواز با توجه به عدم بقاء علقه زوجیت. (ص ۱۴۳)
۱. جواز تلقیح به رحم زن دیگر به عنوان مادر جانشین پس از تلقیح اسپرم شوهر به تخمک همسرش (ص ۱۴۴ و ۱۴۵)

۲. جواز تلقیح اسپرم شوهر با تخمک زن اجنبی در خارج رحم و انتقال به رحم همسر مگر آنکه ملاک مادری به صاحب تخمک بودن باشد که در این صورت انتساب دچار اشکال است.

۳. جواز تلقیح اسپرم انسانی با تخمک حیوانی در خارج از رحم و انتقال به رحم همسر. (ص ۱۴۹)

۴. حرمت تلقیح اسپرم مرد به تخمک حیوانی و انتقال به رحم زن اجنبی به دلیل تنافی با ادله حفظ حرمت فرج زن مسلمان.

۵. حرمت تلقیح اسپرم مرد به تخمک حیوانی و قرار دادن آن در رحم حیوانی به دلیل مستنکر بودن.

۶. حرمت تلقیح اسپرم حیوان در تخمک زن و قرار دادن آن در رحم زن صاحب تخمک به دلیل منافات با حفظ فرج زن مسلمان. (ص ۱۵۰)

۷. حرمت تلقیح و قرار دادن تخمک بارور شده در رحم زن دیگری غیرصاحب تخمک.

۸. جواز قرار دادن تخمک بارور شده در رحم حیوان که محذوریتی بر آن وجود

۹. حرمت تلقیح تخمک بارور شده حیوانی و قرار دادن آن در رحم زن مسلمان به دلیل تضاد با مبنای حفظ فرج. (ص ۱۵۱)

۱۰. جواز ترکیب اسپرم انسان با تخمک گیاهی و قرار دادن آن در رحم همسر

۱۱. حرمت تخمک گیاهی بارور شده از اسپرم انسانی و قرار دادن در رحم زن اجنبی.

۱۲. حرمت تلقیح اسپرم انسانی با تخمک حیوانی و قرار دادن در رحم

حیوان به دلیل ضرورت استیلاد مرد از موضع خود صحیح و همچنین تضاد با حفظ فرج بر مرد مسلمان. (ص ۱۵۲)

۱۳. حرمت قرار دادن تخمک باروری شده از ترکیب اسپرم و تخمک گیاهی

در رحم زن به دلیل تضاد با مبنای حفظ فرج اگرچه ممکن است آیه حفظ فرج انصراف از این صورت داشته باشد و فقط شامل اسپرم انسانی یا حیوانی باشد.

۱۴. حرمت قرار دادن نطفه حاصل از اسپرم حیوانی و تخمک گیاهی در

رحم زن به دلیل ورود اسپرم غیرهمسر و عدم حفظ فرج.

۱۵. جواز قرار دادن نطفه حاصل از تلقیح اسپرم گیاهی و تخمک حیوانی

در رحم زن، (ص ۱۵۳ و ۱۵۴)

تلقیح در رحم مصنوعی

کتاب تلقیح مصنوعی در آینه فقه در این مساله نیز صورتهایی را در نظر گرفته است:

۱. جواز تلقیح اسپرم مرد با تخمک همسر در رحم مصنوعی با قطع نظر از

ملازمات و مقدمات حرام آن

۲. جواز تلقیح اسپرم مرد اجنبی به تخمک زن اجنبی در رحم صناعی، (ص ۱۵۹)

نویسنده سپس با اشاره به ادله قائلین به حرمت، این ادله را مورد بررسی قرار می‌دهد و بر آن است که حرمت ریختن منی مرد اجنبی در رحم زن در اینجا محقق نیست و رشد و تکامل در رحم صناعی است. نویسنده عنوان محرم دیگر در این مسئله را فعل منافی با حفظ فرج مرد و زن مومن بیان می‌کند اما با توجه به عدم انجام فعل منافی با حفظ فرج، این عنوان را صحیح نمی‌داند. (ص ۱۶۰)

نویسنده در بیان آخرین دلیل، منشأ حرمت تولد فرزند از تلقیح اسپرم و تخمک دو نفر اجنبی در خارج رحم را ناشی از قباحت عرفی بودن آن نزد متشرعه دانسته که ارتکاز متشرعه از پذیرش آن ابا دارد. با این حال وی مدعی است که این وجه در تمام صورتهای و طبق همه مبانی شمولیت ندارد. این عدم شمول، متوقف بر این است که ملاک مادری، صاحب تخمک باشد در این صورت مشمول ادله حرمت ممکن است باشد اما اگر ملاک مادری، صاحب رحم باشد فرزند متولد شده در رحم مصنوعی مادر ندارد. علاوه اینکه قبح نزد متشرعه در همه صورتهای نیست. و تنها در جایی است بر اساس ملاک مادری، زن صاحب تخمک مادر باشد که زن اجنبی از محارم نسبی مرد بوده و موجب تعدد عناوین نسبی شود در غیر این صورت قبح آن محرز نیست. (ص ۱۶۱)

بررسی احکام نسب و ملحقات آن

نویسنده در جهت تبیین حکم نسبت‌های خویشاوندی در تلقیح مصنوعی به موضوع **انتساب پدری** در تلقیح به رحم صناعی در چند صورت پرداخته است:

۱. انتساب از ناحیه پدر دایر مدار فهم عرفی است که به حسب این فهم، تکوّن

از منی و اسپرم مرد در مفهوم آن اخذ شده است اما اینکه این تکوّن به قید

مقاربت باشد در مفهوم پدر اخذ نشده است. (ص ۱۸۴)

۲. فرزند حاصل از منی مرد اجنبی یا پس از تلقیح در رحم صناعی به رحم زن

منتقل می‌شود. این صورت اگرچه از جهت حکم تکلیفی ممکن است جایز

باشد مثل موارد اشتباه و شبهه و ممکن است حرام باشد اما در هر دو صورت

این طفل، عرفاً ملحق به مرد صاحب اسپرم است و شرعاً هم مانعی از

انتساب وجود ندارد. در صورت تلقیح جایز مانع شرعی منتفی و فرزند ملحق

به صاحب اسپرم است و در صورت تلقیح حرام هم تحقق عنوان زنا منتفی

است و موجب نفی ارث نمی‌شود. (ص ۱۹۲).

۳. تلقیح مصنوعی اسپرم غیرانسانی از حیوانی و گیاهی چه داخل رحمی و

چه خارج رحمی به رحم صناعی ترسیم می‌کند که فرزند حاصل از آن منتسب

به والد مشخصی نیست چون پدر ندارد.

۴. از سلول غیرجنسی انسان اخذ شود و بر اساس عملیات شبیه‌سازی با

تخمک زن ترکیب شود و طفلی متولد شود. در این مورد انتساب منتفی است

زیرا مفهوم پدر عرفاً و شرعاً مأخوذ از تکوّن از سلول جنسی و اسپرمی

است. (ص ۱۹۳)

فرزندخواندگی عنوان دیگری است که نویسنده با فرض نفی انتساب شرعی پدر و مادر در موضوع اجرای عملیات تلقیح مصنوعی مورد بررسی قرار داده است. وی سه حالت را در نظر گرفته است:

- زن شوهردار از راه تزریق اسپرم مرد بیگانه باردار شده است

- فرزند متولد شده از اسپرم شوهر و در رحم همسر بوده اما راه باروری آن تلقیح مصنوعی بوده و با نزدیکی نبوده
- انتخاب فرزندی است که هیچ راه انتساب شرعی و عرفی وجود ندارد مثل اینکه طفل از راه شبیه‌سازی یا اخذ سلول غیرجنسی و یا در رحم مصنوعی در آزمایشگاه و یا از اسپرم حیوانی یا گیاهی متولد شده باشد که در هر سه حالت انتساب شرعی و عرفی طفل به پدر ممکن نباشد. در هر سه حالت آیا فرزندخواندگی محقق می‌شود یا خیر؟ اگرچه به طور کلی تبنی و فرزندخواندگی از محرمات اسلامی است. (ص ۲۱۳) اما درباره سه حالت مورد نظر حالت اول که اسپرم شخص دیگری است فرزندخواندگی حرام است و قدر متیقن حرمت تبنی را دارد. در مورد حالت دوم و سوم از آنجایی که آیه ناظر به طفلی است که پدر حقیقی و نسب شرعی را داراست و در این دو حالت اصلاً پدر حقیقی و شرعی وجود ندارد لذا ادله حرمت تبنی و انتساب به غیر پدر شامل آن نمی‌شود. (ص ۲۱۶)

ارث بری طفل متولد شده از تلقیح مصنوعی مسئله دیگری است که نویسندگان ادامه عناوین مربوط به مسئله احکام نسب پرداخته است. وی بر آن است که حتی در صورت پذیرش انتساب شرعی پدر و مادر، و جاری شدن احکام و آثار مترتب بر آن، اما همچنان در مواردی از تلقیح مصنوعی که از راه غیرشرعی بوده است، ارث منتفی است. (ص ۲۱۷)

در صورت دوم تلقیح با اسپرم منجمد از شوهر متوفی به همسر وی صورت گرفته باشد که در این صورت نیز ارث به او تعلق نمی‌گیرد زیرا یکی از شرایط ارث این است که در زمان موت مورث فرزند باید متولد شده باشد. (ص ۲۱۹)

بررسی ثبوت عده

نویسندگان در ابتدا با توجه به مصادیق مختلف موضوع از زن مجرد، شوهردار، معتده و... بر آن است که حکم هر صورت باید جداگانه بررسی شود. در صورت اول تلقیح مصنوعی به حکم عده زن شوهردار اشاره دارد که در آن صورت‌های مختلفی قابل تصور است: از طریق تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر باردار شود و از او طلاق بگیرد در این فرض بر اساس ادله عده بر زن حامله ثابت است. (ص ۲۲۲)

در صورت دوم اگر اسپرم شوهر در رحم همسر با تلقیح مصنوعی قرار بگیرد ولی منعقد نشود که دو احتمال در مسئله فرض شده است: احتمال اول اینکه عده نگه داشتن لازم نیست زیرا ادله عده در طلاق را مشروط به دخول و نزدیکی کرده‌اند در حالی که این مورد دخولی محقق نشده است. (ص ۲۲۲) در احتمال دوم عده بر زن واجب است زیرا عده دیگری از روایات بر این نکته تأکید دارند که قرار گرفتن منی موجب عده طلاق است و خود افراغ المنی موضوع آن است چه به واسطه دخول چه غیر آن. (ص ۲۲۴) نویسندگان پس از بیان این دو احتمال جمع بین روایات را این نکته می‌دانند که این دو گانگی از قبیل تعدد شرط و اتحاد جزاست و هر کدام از شرطها علت تامه غیرانحصاری هستند به این معنا چه با دخول چه با افراغ منی در هر صورت عده ثابت است. (ص ۲۲۵)

صورت سوم را نویسند درباره تلقیح اسپرم غیرشوهر با تلقیح مصنوعی به رحم زن بیان می‌کند که در این صورت در مورد شوهرش عده لازم است یا خیر! (ص ۲۲۶) وی پس از بررسی آراء فقیهان بر آن است که این مورد می‌تواند ذیل عنوان وطی به شبهه تعریف شود زیرا نفس افراغ منی به عنوان مستقل موجب ثبوت عده دانسته می‌شود از این جهت تلقیح اسپرم مرد اجنبی چه به صورت اشتباه و حلال و چه به وجه حرام و عمدی مانع از عده زن نسبت به شوهرش نیست. (ص ۲۳۱)

صورت چهارمینی که نویسند در مسئله عده ارائه می‌کند قراردادن اسپرم مرد در رحم خواهرزن یا مادرزن و یا دخترزن است که در این صورت آیا همسر شخص پس از تلقیح مصنوعی باید از مرد عده نگه دارد یا نه؟! وی در این مورد نیز پس از طرح و بررسی نظرات فقهاء بر آن است که اقتضاء روایت العدة من الماء باید خواهرزن و مادرزن که تلقیح را پذیرفته‌اند عده نگه دارند و همسر او نیز به همین دلیل در عده بودن شوهر از آن دو باید عده نگه دارد. (ص ۲۳۶)

صورت پنجم نویسند به تلقیح اسپرم مرد بیگانه به زن شوهردار است که شوهرش او را طلاق داده است. (ص ۲۳۷) در این وجه هم وی مدعی است که عده مطلقه به وضع حمل است در نتیجه اطلاقات ثبوت عده زن مطلقه به سه طهر یا سه ماه است که شامل این مورد نیز می‌شود. (ص ۲۳۸)

مرتضوی در ادامه مصادیق دیگر مورد تلقیح درباره انجام این عمل در رحم زن مجرد غیرمتزوجه اشاره می‌کند و بر آن است که عده بر او واجب است و اطلاقات حرمت ازدواج در زمان عده شامل حال او می‌شود. (ص ۲۳۹)

مصادیق دیگری که نویسند به آن اشاره می‌کند تلقیح مصنوعی به زنی است که در عده است. در این مصداق دو صورت فرض شده که در زمان عده اسپرم همسرش به او تلقیح شود و در فرض دوم این است اسپرم غیرشوهر تلقیح شود. در فرض اول عده ثابت است (ص ۲۴۰) اما اینکه در عده قدیم عده جدیدی حادث شود موضوع مورد بحث است البته در صورتی که زن از تلقیح باردار نشود. زیرا در صورت بارداری عده آن وضع حمل خواهد بود. در صورت عدم بارداری نیز عده حادث از ابتدای تلقیح محاسبه می‌شود. (ص ۲۴۱)

نفقة حامل

مرتضوی در ذیل مسئله بررسی حکم نفقه حامل هم با اشاره به صورت‌های مختلف به تبیین حکم هر یک از عناوین در مسئله تلقیح مصنوعی پرداخته است.

۱. موارد وجوب نفقه:

- تلقیح اسپرم شوهر به همسر تا زمان بقاء علقه زوجیت و تولد بچه (ص ۲۴۴)
- در طلاق رجعی و تا پایان وضع حمل (ص ۲۴۵)
- بر شوهر برای زن باردار از اسپرم مرد بیگانه در صورتی که عده از شوهر ثابت نباشد و حق استمتاع داشته باشد. (ص ۲۵۳)
- مرد صاحب اسپرم اگر حمل و جنین به او منتسب باشد. (ص ۲۵۴)

- مرد صاحب اسپرم برای زن مجرد، (ص ۲۵۵)

۱. عدم وجوب نفقه:

فوت شوهر در ایام بارداری. (ص ۲۵۱)

- زن باردار تلقیح مصنوعی به واسطه فسخ عقد یا انفساخ زوجیت از شوهر خود، مقتضای اصول و قواعد عدم وجوب انفاق است. (ص ۲۵۴)
- در صورتی که عده از شوهر ثابت باشد و حق استمتاع نداشته باشد از آنجایی که شبیه ناشزه است و با علم و آگاهی تن به تلقیح اسپرم مرد بیگانه داده است. (ص ۲۵۵)

سقوط نطفه و جنین و ثبوت دیه

حکم اسقاط و از بین بردن نطفه و جنین تشکیل شده از تلقیح مصنوعی در همه صور حرمت است چه در مورد تلقیح مصنوعی زن و شوهر (ص ۲۵۶) چه در صورت انتساب به مرد صاحب اسپرم (ص ۲۶۳) چه در مورد زنی که جنین به واسطه تخمک به او منتسب است اما به شوهرش انتساب ندارد. این حکم درباره زن و مردی که هیچ نسبتی ندارند نیز جاری است. (ص ۲۶۴)

معاملات مرتبط با تلقیح مصنوعی

نویسنده سپس به سه رکن تلقیح مصنوعی که عبارتند از اسپرم مرد، تخمک زن و رحم زن، به معاملات در این موارد اشاره می‌کند:

۱. جواز خرید و فروش اسپرم مردانه (ص ۲۶۵ و ۲۶۶)

۲. خرید و فروش تخمک که وابسته به مبنای حکم تکلیفی دارد:

- در صورت حرمت استفاده از تخمک زن بیگانه منفعت آن با نهی شارع الغاء می‌شود
- اگر قائل به جواز استفاده از تخمک زن بیگانه شدیم و ملاک مادری را صاحب رحم بدانیم منفعت فرزندآوری دارد و معامله آن جایز است (ص ۲۷۰).
- ملاک مادری صاحب تخمک باشد خریدن آن برای زن منفعتی ندارد چون طفل به او منتسب نیست و تخمک ملکیت ندارد اما برای اخذ پول، بهتر این است که معامله در مقابل رفع ید از حق اختصاص صورت بگیرد.

۱. رحم اجاره‌ای است که امروزه قرارداد رسمی آن نیز مورد استفاده

است. (ص ۲۷۱)

پیوند اعضای تناسلی

نویسنده در این مسئله اگرچه خود معترف است که هنوز به شکل فراگیر نیست اما بر این باور است که فقه پویای شیعه باید موضع نظر خود را در این باره مشخص کند. وی پس از بیان چهار اشکال و پاسخ به آن این نتیجه را ارائه می‌کند که دلیل بر جواز ترقیع و پیوند همان ادله عامه جواز پیوند مطلق اعضای بدن است. (ص ۳۱۸)

•

•

